

تحلیلی بر رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای جنوبی

علی طهماسبی^۱، * حجت مهکویی^۲، علیرضا عباسی^۳، رضا سیمبر^۴

۱. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد، ایران
۲. استادیار گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران
۳. استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد، ایران
۴. استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۱
تاریخ پذیرش: ۳۱ خرداد ۱۴۰۱
تاریخ انتشار: ۲۰ شهریور ۱۴۰۱

چکیده

رویکرد سیاست خارجی، نقش مهمی در توسعه روابط منطقه‌ای و جهانی برای کشورها دارد. به‌ویژه در عصر جهانی‌شدن که پیوندها و مناسبات میان کشورها در عرصه بین‌الملل، کاملاً درهم تنیده شده‌اند. ماهیت ویژه دوره جهانی‌شدن این است که کمترین ظرفیت موجود برای برقراری ارتباط با کشورهای دیگر، اثری مثبت بر تصویر بین‌المللی آن کشور دارد. در روابط منطقه‌ای، رفتار سیاست خارجی ایران، نسبت به مناطق ژئوپلیتیکی پیرامونش، رویکردهای متفاوتی داشته است. منطقه آسیای جنوبی به‌عنوان منطقه ژئوپلیتیکی مستقل، بر اساس نظریه سول کوهن و تبدیل‌شدن آن به قلمروی ژئواستراتژیک سوم، می‌تواند از مناطقی باشد که در تغییر رویکرد سیاست خارجی کشور نسبت به این منطقه ظرفیت لازم را ارائه دهد. هدف اصلی در این مقاله، تحلیل رویکرد سیاست خارجی ایران در روابط منطقه‌ای با منطقه آسیای جنوبی است. این پرسش مطرح است که جایگاه منطقه آسیای جنوبی در روابط و رویکرد سیاست خارجی ایران چگونه است؟ برای پاسخ به این پرسش از روش رویکرد پژوهشی توصیفی تحلیلی و ابزار گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای و سایت‌های اینترنتی استفاده می‌کنیم. نتایج یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند منطقه ژئوپلیتیکی آسیای جنوبی، در سیاست خارجی ایران جایگاه و اولویت مناسبی ندارد و سیاست خارجی این کشور در بهره‌برداری از موقعیت این منطقه برای توسعه روابط منطقه‌ای، اقدامات لازم و جدی نکرده است.

کلیدواژه‌ها:

ایران، آسیای جنوبی،
روابط منطقه‌ای،
سیاست خارجی،
منطقه‌گرایی.

* نویسنده مسئول:

دکتر حجت مهکویی
نشانی: دانشگاه آزاد اسلامی
واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد، ایران
پست الکترونیک:
h.mahkouii@phu.iaun.ac.ir

استناد به این مقاله:

طهماسبی، علی، مهکویی، حجت، عباسی، علیرضا، سیمبر، رضا، (۱۴۰۱). تحلیلی بر رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در منطقه آسیای جنوبی. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، (۴)، (۲)، ۱۰۷-۱۳۱

۱. مقدمه

سیاست خارجی راهبرد یا اعمالی است که به وسیله تصمیم‌گیرندگان یک دولت در مقابل دیگر دولت‌ها و واحدهای بین‌المللی برای اهداف مشخص انجام می‌شود (Haghighat, 2006: 20). جوزف نای معتقد است: امروزه اعتبار و تصویری که دولتی در اذهان [دیگر کشورها و دولت‌ها] ایجاد می‌کند، بخش‌های مهم کاربست سیاست خارجی آن کشور را تشکیل می‌دهد، زیرا «قدرت نرم» آن کشور را به نمایش می‌گذارد. اعتبار کشور در نزد دیگر اعضای جامعه بین‌المللی (دولت‌ها، سازمان‌های دولتی و غیردولتی و شرکت‌ها) بستگی به این توانایی دارد که بتواند به دیگران گوش دهد و شنیده شود (Rahmani, 2015: 65). آنچه برای دوران کنونی باید بیان کرد رویکرد سیاست خارجی و نقش مهم آن در توسعه روابط منطقه‌ای و جهانی در عصر جهانی شدن است. در عصر جهانی شدنی که پیوندها و مناسبات میان کشورها در عرصه بین‌الملل، کاملاً درهم تنیده شده‌اند. ماهیت ویژه دوره جهانی شدن این است که کمترین ظرفیت موجود برای برقراری ارتباط با کشورهای دیگر، اثری مثبت بر تصویر بین‌المللی آن کشور دارد (Pishgahifard & Mahkouei, 2012: 46). فرامرزی شدن منافع و خواسته‌های ملی کشورها در دهه‌های پایانی قرن بیستم، جهانی شدن‌ها را سبب شد. جهانی شدن اقتصاد بازار و اقتصادی شدن نظام جهانی که از دهه پایانی قرن بیستم سرعت زیادی پیدا کرد، رقابت‌های ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک را در جهان رونق زیادی داد. این تحولات پراهمیت در نظام جهانی، موجب تشویق منطقه‌گرایی و روی آوردن به همکاری‌ها و گروه‌بندی‌ها و همگرایی‌های منطقه‌ای برای واقعیت بخشیدن به رقابت‌های مؤثر میان منطقه‌های جهان در نظام شکل‌گیرنده ژئوپلیتیک جهانی دوران پست مدرن شده است (Mojtahedzadeh, 2012: 185). به هر روی، سیاست خارجی کشورها در عصر جهانی شدن ملزم به رعایت منافع ملی مردم آن کشور است.

همواره، مناطق ژئوپلیتیکی پیرامونی، نقش ویژه‌ای در سیاست خارجی کشورها دارند. در این میان، یکی از مناطق ژئوپلیتیک مهم پیرامونی ایران منطقه جنوب آسیا است. آنچه در جنوب آسیا رخ می‌دهد بر منافع ایران تأثیر می‌گذارد. بنابراین داشتن شناخت مناسب در سیاست خارجی، توانایی لازم را برای حفظ و تقویت منافع ملی ایران در منطقه جنوب آسیا فراهم می‌کند. سوئل کوهن منطقه شبه‌قاره هند را در آستانه تبدیل شدن به قلمرویی ژئواستراتژیک می‌داند. امروزه تأمین انرژی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت‌ها است؛ از این‌رو کسب انرژی‌های مختلف

از جمله نفت، گاز، زغال سنگ و دیگر انرژی‌ها از اولویت‌های اساسی دولت مردان هر کشوری است. کشورهای جنوب آسیا با سرعت در حال افزایش تقاضا برای انرژی، با کمبود انرژی مواجه هستند؛ به دلیل تأثیرات اقتصادی سیاسی ناشی از چین کمبودی، بهبود عرضه انرژی، اولویت مهم دولت‌های منطقه است. کشورهای جنوب آسیا به دنبال تنوع منابع انرژی سنتی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی اضافی برای توسعه زیرساخت‌های انرژی، بهبود بهره‌وری انرژی، اصلاح و خصوصی‌سازی بخش انرژی ارتقای توسعه تجارت سرمایه‌گذاری انرژی منطقه‌ای هستند (2: Griffiths, 2019 : 31-32; Hadipour & et al, 2109).

این مقاله از پژوهش‌های کاربردی است که با استفاده از روش رویکرد توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و سایت‌های اینترنتی موضوع را بررسی می‌کنیم. این پرسش مطرح است که جایگاه منطقه آسیای جنوبی در روابط و رویکرد سیاست خارجی ایران چگونه است؟ شایان توجه اینکه برای پاسخ به این پرسش، دیدگاه نویسندگان رویکردی ژئوپلیتیک است. بدین منظور از نظریه ساختار فضایی سیستم ژئوپلیتیک جهان سول کوهن استفاده می‌کنیم. همچنین در معرفی محدوده مورد مطالعه به موقعیت ژئوپلیتیک ایران و آسیای جنوبی توجه می‌کنیم. در یافته‌های پژوهش فقط ظرفیت‌های موجود در آسیای جنوبی را برای گسترش و تقویت روابط منطقه‌ای در نظر می‌گیریم و از آنجایی که همواره در روابط میان کشورها هم چالش‌ها، هم قوت‌ها و فرصت‌ها وجود دارند، فقط به ظرفیت‌ها و فرصت‌های این منطقه توجه می‌کنیم.

۲. پیشینه پژوهش

اعظمی و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله «تحلیل اولویت‌های منطقه‌ای و دیدگاه‌های ژئوپلیتیک در شکل‌دهی به سازمان‌های منطقه‌ای (نمونه موردی: سازمان همکاری شانگهای)» بیان می‌کنند از آنجایی که منطقه‌گرایی به معنای توجه ویژه داشتن به منطقه جغرافیایی مشخصی است، کشورها برای عضویت و شکل‌دهی به سازمان‌های منطقه‌ای و تحقق منافع و ایده‌آل‌های شان به مناطقی توجه می‌کنند که بیشترین وابستگی اقتصادی، سیاسی امنیتی و فرهنگی را به آن داشته باشند. نتایج این پژوهش که با روش توصیفی تحلیلی انجام شده است نشان می‌دهد برخلاف روسیه و چین که شکل‌دهی و عضویت در این سازمان بر اساس اولویت‌های منطقه‌ای و دیدگاه‌های ژئوپلیتیک آن‌ها انجام شده است، عضویت ایران در این سازمان انطباق چندانی با اولویت منطقه‌ای و هویت ژئوپلیتیک آن ندارد.

نورمحمدی و فصیحی دولتشاهی (۱۳۹۷) در مقاله «کاربست نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای در تحلیل مسائل و الگوهای روابط در جنوب آسیا» هدف اصلی مقاله را بررسی و نشان دادن میزان ظرفیت‌های ذاتی این نظریه در تبیین پویای امنیت، الگوهای دوستی و دشمنی، نوع روابط میان واحدهای سیاسی و فهم مسائل این منطقه بیان کرده‌اند. از این رو، این پرسش مطرح است که میزان کارکرد نظریه مجموعه امنیتی در تحلیل مسائل و پویای امنیت جنوب آسیا تا چه اندازه است و چگونه با کاربرد این نظریه می‌توان به فهم پویای امنیت در این ناحیه رسید؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد نظریه مجموعه امنیتی به دلیل نگاه چندبعدی، ضرورت بررسی هم‌زمان فهم اجتماعی تحولات و فهم روابط قدرت، شناخت نوع روابط میان واحدهای سیاسی موجود در منطقه جنوب آسیا را ممکن می‌سازد.

هادی‌پور و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «فرصت‌های ژئوپلیتیکی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جنوب آسیا (شبه قاره هند)» می‌گویند مناطق ژئوپلیتیکی پیرامونی، نقش ویژه‌ای در سیاست خارجی کشورها دارند. در این میان، یکی از مناطق ژئوپلیتیک مهم پیرامونی ایران، منطقه جنوب آسیا است. آنچه در جنوب آسیا رخ می‌دهد بر منافع ایران تأثیر می‌گذارد. یافته‌های کیفی این مقاله، نشان می‌دهند بخشی از شاخص‌های طبیعی و انسانی کشورهای منطقه جنوب آسیا با جمهوری اسلامی ایران از تجانس و هم‌تکمیلی در ابعاد مختلف اقتصادی، ارتباطی، فرهنگی، دینی و علمی برخوردارند.

۳. مفاهیم و چارچوب نظری

۳-۱. منطقه و روابط منطقه‌ای با رویکرد به منطقه‌گرایی

از واژه منطقه در جغرافیای سیاسی تصادفی استفاده نمی‌شود. منطقه فضای جغرافیایی را می‌گویند که از پدیده‌هایی مشابه و عوامل پیونددهنده اجزای محیط، هم از نظر فیزیکی و هم از دید محیط انسانی برخوردار باشد. شناخت منطقه و مطالعه مناطق جدا از هم، یکی از روش‌های شناخت جهان ژئوپلیتیک است (Azami & et al, 2012 : 5-6; Mojtahedzadeh, 2012 : 179-180). دویج منطقه را بیشتر از بعد سازمانی آن می‌بیند و معتقد است منطقه، سازمان منطقه‌ای مبتنی بر سرزمین با هویت مشخص است که دولت‌ها برای طراحی و اجرای مجموعه‌ای از سیاست‌ها در زمینه مسائل خاص و با هدف بهبود وضعیت خود درباره آن مسائل، آن را به وجود آورده‌اند (Ahmadi Lafouraki & Talebi Arani, 2018 : 20-21).

منطقه‌گرایی یکی از مراحل و مدارهای دیپلماسی برای تحکیم مناسبات میان دولت‌های هم‌جواری است که در میان توافقات سیاسی تعریف شده، شکل می‌گیرد و با سازوکارهای مختلف فنی، حقوقی و اقتصادی متحول می‌شود. در میان کشورهای یک منطقه، طیف گوناگونی از روابط دوستانه تا خصمانه را می‌توان در نظر گرفت. پس در گام نخست، این هنر دولت‌مردان و کارگزاران دولت‌هاست که چگونه از فضای مثبت و تفاهم‌آمیز به سوی رشد و رونق فزاینده جمعی پیش روند یا برعکس از فضای تنش، تعارض، رقابت خصمانه و جنگ، به اعتمادسازی، خویش‌نمیزی، تمرین مذاکره، راه‌حل‌های مسالمت‌آمیز و فرهنگ‌مداری روی آورند. بدیهی است مدیریت دولت‌مردان نسبت به محیط خارجی خود، باید مبتنی بر درک و استفاده بهینه از فرصت‌ها و مواجهه عقلانی با همه تهدیدها و خطرهای باشد. برای کشورهای ضعیف و در حال توسعه، به کارگرفتن تدابیر ضروری در راستای فزاینده از فشارهای بیرونی و ناکارآمدی داخلی، حیاتی است و سبب می‌شود به مراتب، ضریب آسیب‌پذیری واحدهای حساس و اثرپذیر کاهش یابد. از آنجایی که تعریف و اجرایی شدن سیاست‌گذاری خارجی دولت‌ها با شناخت از دو وجه از امکانات و محدودیت‌های داخلی و خارجی در تلازم است، بود یا نبود امنیت و ثبات در مرزهای ملی، آثار مهمی بر مواضع دولت‌ها در روابط خارجی دارد. هر یک از دو حالت ثبات و بی‌ثباتی در گام اول بر اولین حلقه از مناسبات خارجی آن‌ها (دولت‌های همسایه و پیرامونی) اثر مستقیم می‌گذارد. هر کشور در ابتدا، با همسایگان دور و نزدیک خود مشغول محاسبه و مدیریت این ترتیبات و ترجیحات است (Mosafa & Noruzi, 2014 : 627-628).

۲-۳. سیاست خارجی

سیاست خارجی یعنی فن و هنر (یا علم) شناخت امکانات و بهره‌برداری درست از آن‌ها برای رسیدن به اهداف کشور در ارتباط با محیط خارجی (Akraminiya, 2013 : 39). در عرصه بین‌المللی، ملت‌ها همیشه به یکدیگر وابسته بوده‌اند. حتی پس از دستیابی به بالاترین سطح توسعه، هر ملتی برای تأمین منافع خود به دیگر ملت‌ها وابسته است. بنابراین در دوران معاصر، هر کشوری با ملت‌های دیگر روابط دیپلماتیک، اقتصادی، تجاری، آموزشی، فرهنگی و سیاسی برقرار می‌کند و مجبور می‌شود روابط خود را با یکدیگر و همچنین با سازمان‌های بین‌المللی و بازیگران غیردولتی در روابط بین‌الملل حفظ کند. روابط بین‌الملل رفتارهایی را توضیح می‌دهد که در مرزهای کشورها و نهادهایی مانند خصوصی، دولتی، غیردولتی و بین دولتی رخ

می‌دهد. هافمن^۱ معتقد است: «رشته روابط بین‌الملل مربوط به عوامل و فعالیت‌هایی است که بر سیاست‌های خارجی و قدرت واحدهای اساسی تأثیر می‌گذارد که جهان به آن‌ها تقسیم شده است» (Ahmed, 2020 : 787).

هنگام تجزیه و تحلیل نقش سیاست خارجی در ارتقای توسعه، باید به اهمیت دولت در این فرایند توجه کرد. با در نظر گرفتن این نکته، می‌توان سیاست خارجی را به دو حوزه بزرگ تقسیم کرد که با آن‌ها بر توسعه کشور، یعنی اقتصاد و سیاست تأثیر می‌گذارد. این‌ها را می‌توان بیشتر به خطوطی از اقدامات مربوط به افزایش رشد اقتصادی یک کشور و کاهش سطوح نابرابری تقسیم کرد که معمولاً در اولویت بیشتر سیاست‌گذاران نیست. هنگام برخورد با حوزه اقتصادی سیاست خارجی، می‌توان سه خط اقدام را تشخیص داد که مستقیماً بر راهبرد توسعه کشور تأثیر می‌گذارند: الف) ارتقای تجارت؛ ب) سیاست سرمایه‌گذاری؛ ج) مذاکرات اقتصادی، مالی و تجاری. در حوزه سیاسی، خطوط عمل بیشتر به‌طور مستقیم به ارتقای توسعه مربوط می‌شوند، زیرا آثار عملی آن‌ها به این سرعت به مناطق اقتصادی و اجتماعی نمی‌رسد، اما به ایجاد محیطی مثبت برای موفقیت دیگر خطوط کمک می‌کند. از این نظر، سه خط دیگر از اقدامات را می‌توان فهرست کرد: الف) حقوق اکتشاف منابع؛ ب) همکاری بین‌المللی؛ ج) طرح بین‌المللی (Spohr & da Silva, 2017 : 159).

۳-۳. چارچوب نظری

با توجه به موضوع این مقاله و وجود نظریه‌های مرتبط با حوزه ژئوپلیتیک و روابط بین‌الملل، برای تبیین و تحلیل رویکرد سیاست خارجی ایران در روابط منطقه‌ای با منطقه آسیای جنوبی، از نظریه ساختار فضایی سیستم ژئوپلیتیکی جهان بهره می‌بریم که سول بی کوهن مطرح کرده است. این نظریه، چارچوبی کارآمد برای شکل‌گیری سیاست خارجی آمریکا در دوران جنگ سرد ارائه داد. هرچند با سقوط جهان دو قطبی، کارایی تکنیکی اصلی خود را از دست داد، پویایی جغرافیایی نهفته در آن، هنوز می‌تواند در شکل‌گیری‌های ژئوپلیتیک جهانی پست مدرن مؤثر باشد (Mojtahedzadeh, 2012 : 136).

الف) نظریه ساختار فضایی سیستم ژئوپلیتیک جهان

ساختار فضایی ژئوپلیتیک به آرایش و انتظام اجزای فضایی یک نظم ژئوپلیتیک گفته

1. . Hoffmann

می‌شود. ژئوپلیتیست‌ها همواره می‌کوشند هویت و نظم ژئوپلیتیکی مناطق جهان و همچنین الگوی توزیع قدرت و حوزه‌های نفوذ را در قالب موزائیک فضایی و جغرافیایی به نمایش گذارند و روابط اجزای فضایی و هویت آن را تبیین کنند (Hafezniya, 2006 : 135). نظریه ساختار فضایی سیستم ژئوپلیتیکی جهان، از سوی کوهن ارائه شده است. این ساختار فضایی شامل حوزه ژئواستراتژیک، منطقه ژئوپلیتیکی، نوارهای شکننده، کشورها و مناطق مدخل (گذرگاهی) است. در این نظریه، مناطق زیربخش‌هایی از حوزه‌ها هستند، اگرچه ممکن است برخی میان آن‌ها قرار داشته یا مستقل از آن‌ها باشند (Hadipour & et al, 2019 : 33).

از نظر کوهن، منطقه‌های ژئواستراتژیک، نماینده‌گونه ویژه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌ها در دو بخش پهناور جهان هستند و منطقه‌های ژئوپلیتیک شامل بخش‌های جغرافیایی کوچک‌تر در داخل مناطق ژئواستراتژیک هستند که معمولاً از تجانس جغرافیایی و هماهنگی‌های محیط انسانی بیشتری در یک یا همه زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی برخوردارند. مناطق ژئواستراتژیک عبارت‌اند از دو نیمکره سیاسی که هر یک زیر نفوذ یکی از ابرقدرت‌های روی زمین (در نظام دو قطبی پیشین) است. او این دو منطقه ژئواستراتژیک را این‌گونه نام‌گذاری کرد: الف) دنیای ژئواستراتژیک کرانه‌ای وابسته به بازرگانی (بحری) شامل ۶ منطقه ژئوپلیتیکی و ب) دنیای ژئواستراتژیک قاره‌ای اوراسیا (بری) شامل ۲ منطقه ژئوپلیتیکی. قلمروی ژئواستراتژیک بحری شامل شش منطقه ژئوپلیتیک اروپا، آمریکای شمالی، آمریکای جنوبی، حوزه کارائیب، حوزه آسیای ساحلی (ژاپن، استرالیا، کره) و آفریقای جنوب صحرا است و قلمروی ژئواستراتژیک قاره‌ای شامل دو منطقه ژئوپلیتیک هارتلند (روسیه) و آسیای شرقی (چین و مغولستان) است. در ساختار فضایی نظریه سیستم ژئوپلیتیک جهانی حوزه‌ها و مناطق دیگری نیز وجود دارند که عبارت‌اند از: ۱) کمرندهای شکننده یا مناطق درهم: کوهن همچنین سه منطقه ژئوپلیتیک ویژه را میان دو نیمکره ژئواستراتژیک مشخص می‌کند و آن‌ها را منطقه درهم^۲ (کمر بند شکننده) می‌نامد که هر دو ابرقدرت در آن‌ها جای پای دارند؛ این سه منطقه شامل خاورمیانه، آسیای جنوب خاوری و آفریقای واقع در جنوب صحرا است. از نظر او، این سه منطقه ویژه از دید سیاسی مناطق نامتجانسی هستند که هر دو نیمکره ژئواستراتژیک در آن‌ها نفوذ دارند. کوهن پس از جنگ سرد تنها خاورمیانه را منطقه شکننده دانسته و دو منطقه جنوب شرق آسیا و جنوب آفریقا را جزو قلمرو ژئواستراتژیک در یایی قرار می‌داد. ۲) کشورها و مناطق گذرگاهی، کشورهایی

2. . Shatterbelt

هستند که تسهیل کننده ارتباط بین دو قلمرو ژئواستراتژیک یا دو منطقه ژئوپلیتیک هستند مانند اروپای شرقی و آمریکای مرکزی. این مناطق در پیوستگی و انسجام و تکامل سیستم نقش مهمی را به عهده دارند. (۳) منطقه ژئوپلیتیک مستقل: این منطقه بر شبه قاره هند تطبیق می‌کند و در قلمرو ژئواستراتژیک جای نمی‌گیرد. این منطقه حالت دوگانه داشته و حدود ۸ درصد تا ۱۰ درصد تجارت جهانی را به خود اختصاص می‌دهد. قطب برجسته این منطقه هند است که در حال ارتقا برای تبدیل شدن به سومین قلمرو ژئواستراتژیک جهان است (Mojtahedzadeh, 2012 : 182; Azami & et al, 2012 : 7-8).



نقشه ۱: نقشه تقسیم جهان بر اساس نظریه ساختار ژئوپلیتیکی مورد نظر کوهن 8 : Azami & et al, 2012

۴. معرفی محدوده مورد مطالعه

۴-۱. موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران با رویکرد منطقه‌ای

کشور ایران با وسعتی معادل ۱،۸۷۳،۹۵۹ کیلومتر مربع (Nami & Hydaripour, 2012 : 229)، شانزدهمین کشور بزرگ جهان است. ایران در نیمکره شمالی، نیمکره شرقی در قاره آسیا و در قسمت غربی فلات ایران واقع شده و جزو کشورهای خاورمیانه است. ایران از نظر ژئوپلیتیکی

و جغرافیایی در منطقه جنوب غربی آسیا قرار گرفته است. وجود منابع عظیم نفت و گاز در ایران، موقعیت سرزمینی استثنایی ایران در قلب خاور نزدیک بزرگ و حدفصل دریای خزر و خلیج فارس و ظرفیت ایران به عنوان راه‌گذر راهبردی انرژی منطقه و جهان، اهمیت ویژه‌ای به آن داده است. به علاوه سرزمین ایران از نظر موقعیت راهبردی همانند حلقه‌ای است که می‌تواند چهار منطقه حساس و مهم جغرافیایی هم‌جوارش را چون حلقه‌های زنجیر به یکدیگر پیوند دهد و درجه امنیت خود و آن کشورها را با استفاده از بستر ژئواکونومیکی منطقه‌ای افزایش دهد (BabakhaniLashakan & et al, 2017 : 147-148). با بررسی برخی از نظریه‌های ژئوپلیتیکی می‌توان در اهمیت موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران گفت: آلفرد ماهان، اولین شرط لازم برای کسب قدرت جهانی را سلطه و نظارت بر دریاها می‌داند. او معتقد بود ایران گذرگاه دسترسی قدرت روسیه به سوی جنوب و اقیانوس هند است. از این‌رو، پیشنهاد می‌داد برای عقب‌راندن روسیه باید در ایران سد نفوذی ایجاد کرد که چنین تفکری در تصمیمات بریتانیا و در رابطه با روسیه به کار گرفته می‌شد و بریتانیا به عنوان محور قدرت دریایی از بالکان تا پامیر مراقب قدرت روسیه بود. این نقش را پس از جنگ جهانی دوم، آمریکا بر عهده گرفت. متصل بودن ایران به دریای آزاد از راه خلیج فارس و دریای عمان نشان‌دهنده اهمیت ایران در نظریه‌های ژئوپلیتیکی، به ویژه نظریه قدرت دریایی ماهان است. همچنین با توجه به اینکه مکنیندر در نظریه خود، مناطق اطراف هارتلند و منطقه ژئواستراتژیک بری را به دو ناحیه هلال داخلی و هلال خارجی تقسیم می‌کند و ایران را قلب منطقه خاورمیانه و فلات ایران را بخشی از هلال داخلی به حساب می‌آورد، به دلیل رقابت قدرت زمینی برای راهیابی به هلال داخلی، جایگاه ایران در این نظریه نیز مهم تلقی می‌شود.

در نظریه بیضی انرژی، جفری کمپ که متأثر از نظریه هارتلند مکنیندر بوده است، کمپ ایران را در وسط بیضی راهبردی انرژی (هم نفت و هم گاز) در نظر گرفته است. از دیدگاه کمپ، محل پیوند قاره‌های آسیا، اروپا و آفریقا ایران است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند، اقتصاد جهانی در آینده نیز همچنان به انرژی نفت وابسته است. در صورتی که میزان تقاضای جهانی نفت در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۵۰ سالانه به طور متوسط ۱/۹ درصد افزایش می‌یابد که بیشترین رشد در این زمان به ترتیب اختصاص به کشورهای چین، هند، روسیه، آمریکای شمالی و کشورهای اروپایی دارد. با این همه، بیشترین میزان تقاضای جهانی انرژی را کشورهای آمریکای شمالی خواهند داشت؛ به طوری که میزان تقاضای این کشورها در سال ۲۰۳۰ در حدود ۳۰/۶ میلیون

بشکه در روز بوده که این میزان حدود ۲۷ درصد تقاضای جهانی نفت تخمین زده شده است (Masoudipour & et al, 2017 : 494-496).



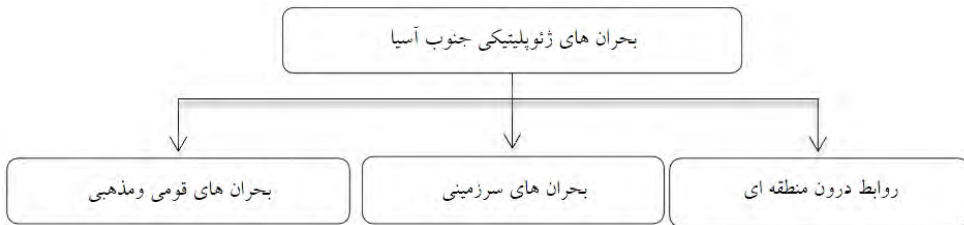
نقشه ۲. نقشه موقعیت سرزمینی ایران بر مبنای گذرگاه‌های چندگانه ۶۴ : Barati & et al, 2021

۲-۴. منطقه ژئوپلیتیکی آسیای جنوبی

یکی از مهم‌ترین مناطق ژئوپلیتیکی پیرامونی ایران، جنوب آسیاست. مفهوم آسیای جنوبی به‌عنوان منطقه ژئوپلیتیکی مستقل از حوزه‌های ژئواستراتژیک هم‌جوار و تقسیمات منطقه‌ای آن‌ها، برای نخستین بار در سال ۱۹۶۳ از سوی سونل کوهن مطرح شد. این منطقه در مجاورت آب‌های اقیانوس هند قرار دارد که دریاها، خلیج‌ها و تنگه‌های راهبردی و مهمی مانند دریای عمان، دریای عرب، خلیج فارس، تنگه هرمز و تنگه مالاکا در داخل آن رخنه کرده‌اند. جنوب آسیا با سه منطقه ژئوپلیتیکی شرق و جنوب شرقی آسیا، آسیای

مرکزی و غرب آسیا تلاقی دارد. این منطقه، شامل هشت کشور هند (۱، ۳۸۰، ۳۹، ۰۰۴)، پاکستان (۲۲۰، ۸۹۲، ۳۳)، [افغانستان (۳۸، ۹۲۸، ۳۴)]، [بنگلادش (۱۶۴، ۶۸۹، ۳۸)]، سریلانکا (۲۱، ۲۱۹، ۰۰)، مالدیو (۵۴، ۵۴۰)، بوتان (۶۱، ۷۷۱) و نپال (۲۹، ۱۳۶، ۸۱) است که جمعیت آن‌ها در سال ۲۰۲۰، ۸۵۶، ۸۸۲، ۴۰ نفر بوده است. آلفرد تایلر ماهان استدلال کرد هر کشوری اقیانوس هند را در کنترل خود داشته باشد دنیا را در کنترل خواهد داشت. سوئل کوهن نیز منطقه شبه‌قاره هند را در آستانه تبدیل شدن به قلمرویی ژئواستراتژیک می‌داند. از سویی، منطقه شبه‌قاره هند در بین دو تا از مهم‌ترین منابع تولید، توزیع و مصرف انرژی هیدروکربونی در جهان، یعنی حوزه خلیج فارس و حوزه دریای خزر به‌عنوان مهم‌ترین منابع تولیدکننده انرژی همچنین در شرق آسیا به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین بازارهای مصرف در جهان قرار دارد. با وجود این، منطقه جنوب آسیا صحنه تضادهای درونی و تعارضات ژئوپلیتیکی است. مسلم است هر کشوری که به برقراری ارتباط و نقش‌آفرینی در این منطقه علاقه‌مند است، پیش از هر چیز باید ظرفیت‌های داخلی و خارجی را شناسایی کند که پایه اساسی گسترش یا کاهش روابط در حوزه‌های مختلف با بازیگران سیاسی این منطقه است (Hadipour & et al, 2020(b) : 32-35; <https://data.worldbank.org/>(indicator/SP.POP.TOTL?locations=8S).

منطقه جنوب آسیا یک هلال بی‌ثباتی ژئواستراتژیک را تشکیل می‌دهد که در آن تقریباً هر کشوری با همسایگان خود درگیر مناقشه یا درگیر جنگ‌های داخلی است. دستیابی به توانایی تسلیحات هسته‌ای توسط پاکستان برای برابری با هندوستان اوضاع را پر مخاطره کرده است. به علاوه، ظهور اسلام‌گرایی بر شدت درگیری‌های داخلی و تهدید تروریسم در بیشتر بخش‌های این هلال و همچنین در خارج از مرزهای آن افزوده است. جمعیت هند ۷۵ درصد کل جمعیت منطقه را تشکیل می‌دهد. مساحت سرزمینی هند، ۶۴ درصد کل مساحت منطقه را شامل می‌شود. همچنین ۸۱ درصد تولید ناخالص داخلی منطقه مربوط به هند است. قدرت نظامی در منطقه جنوب آسیا نیز به سود هند است. هزینه‌های نظامی هند، ۸۳ درصد کل هزینه‌های نظامی منطقه را در بر می‌گیرد. بنابراین منطقه جنوب آسیا تک‌قطبی است (Nourmohammadi & FasihiDolatshahi, 2018 : 161-171) و از دیدگاه نقش‌آفرینی ژئوپلیتیک، پویایی آن، اساسی ژئواکونومیک دارد (Mojtahedzadeh, 2012 : 186).



نمودار ۱. بحران های ژئوپلیتیکی جنوب آسیا : 61 : Source Hadipour & et al, 2020(a)

۵. یافته های پژوهش

۵-۱. سیاست خارجی ایران و روابط منطقه ای و جهانی

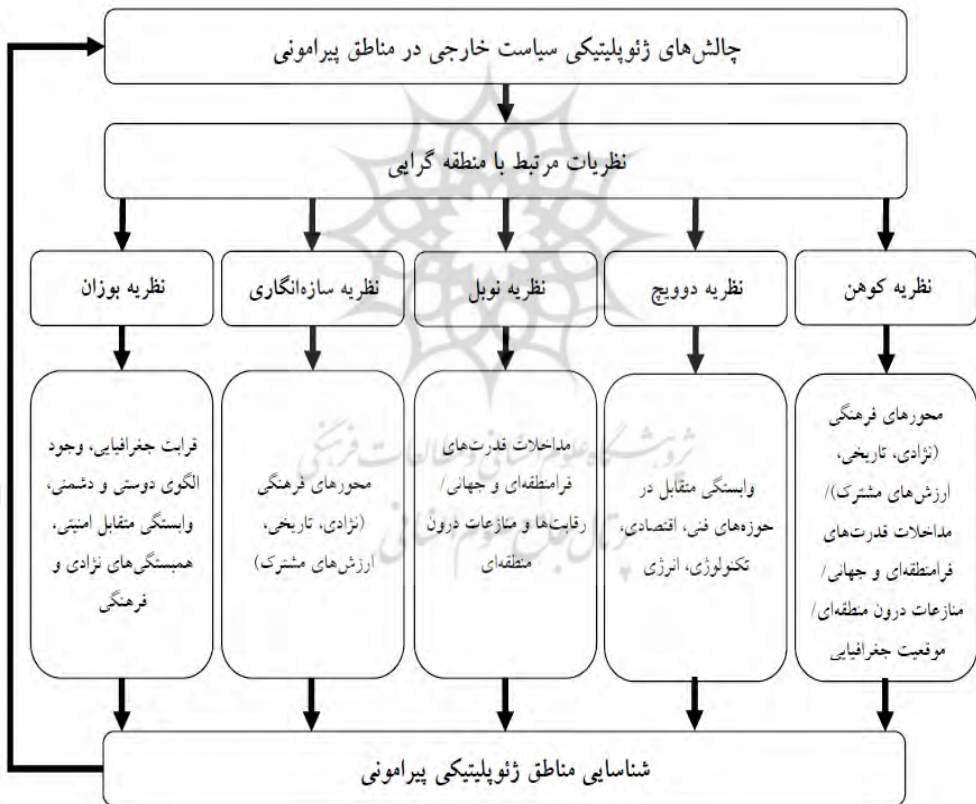
در ارتباط با سیاست خارجی ایران آنچه رویکرد و رفتار سیاست خارجی را تشکیل می دهد، سیاست تریبونی، سیاست سینیوسی و حداکثرگرایی است. در ادامه به طور اجمالی به هر یک از این سه رویکرد می پردازیم تا الگوهای روابط منطقه ای و جهانی در سیاست خارجی کشور را نشان دهیم. سیاست تریبونی یکی از روندهایی بوده است که ایران در سیاست خارجی دنبال و همواره مطرح کرده است. رفتار عدالت طلبانه جمهوری اسلامی ایران، تلاش برای اصلاح و تغییر سازمان ها و نهادهای بین المللی است، زیرا از نظر جمهوری اسلامی ایران، این نهادها و سازمان ها، کارگزاران نظام سلطه و مشروعیت بخش به روابط و مناسبات ناعادلانه در سطح بین المللی هستند. این نهادها و سازمان ها معلول توزیع نابرابر قدرت در نظام بین الملل هستند و این مناسبات ناعادلانه را نهادینه می کنند. نمونه بارز این بی عدالتی و نابرابری در سطح بین المللی، حق وتوی قدرت های بزرگ در سازمان ملل متحد است؛ موضوعی که جمهوری اسلامی ایران از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون با آن مخالفت کرده و خواهان اصلاح و الغای آن است (Roshan & Alimirzaei, 2017 : 55-56). در رابطه با رویکرد سینیوسی نکته اینکه، برخی صاحب نظران بر اساس جهت گیری های سیاست خارجی ایران، دوره های مختلف سیاست خارجی کشور را مشخص کرده اند. این دوره ها نشان دهنده سیر حرکت از مرحله اولویت ملاحظه فراملی بر ملی، به مرحله موازنه میان ملاحظه فراملی و ملی و در نهایت مرحله اولویت ملاحظه ملی بر فراملی است. در سیاست خارجی ایران شاهد نوعی انتقال از سیاست خارجی مطلوبیت محور، به سیاست خارجی محدودیت محور بوده ایم. در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی و همچنین در قانون اساسی کشور، در عرصه سیاست خارجی نوعی

برتری ملاحظه فراملی (اسلامی یا ایدئولوژیک) بر ملاحظه ملی (دولت) چه در نظر و چه در عمل دیده می‌شود، اما ضرورت‌های محیطی به تدریج موجب شد دولت ایران به اهمیت این وظیفه پی ببرد که باید میان دو ملاحظه ملی و فراملی به نوعی موازنه برقرار کند. در سال‌های بعد به‌ویژه سال‌های پس از رحلت امام خمینی، به تدریج در برخی دوره‌ها شاهد اولویت‌دادن ملاحظه ملی بر ملاحظه فراملی بودیم. این امر به‌ویژه به سبب فشارهایی بود که محیط‌های عمدتاً منطقه‌ای و جهانی بر ایران وارد و جهت‌گیری آن را معین می‌کردند (Pourahmadi & Motamedi Amin, 2014 : 14.15). بنابراین این مطلوبیت محور و محدودیت محور سبب شده است سیاست خارجی به نوعی دچار فراز و فرود (سینوسی) باشد که نگاه به سیاست خارجی در دوره‌های مختلف گویای آن است.

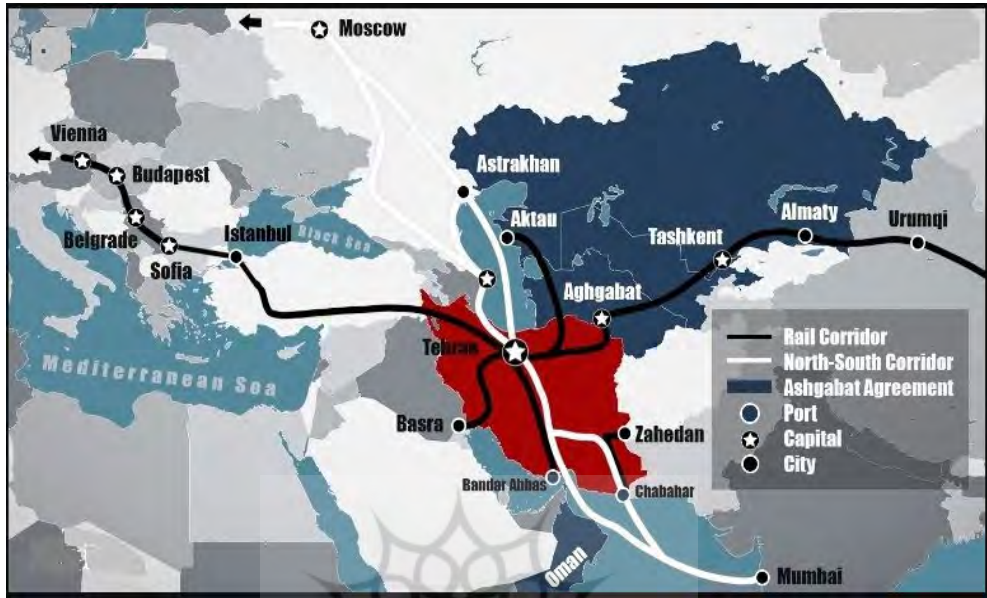
از مشکلات سیاست خارجی در رویکرد حداکثرگرایی، مشکل فرهنگی «حداکثرگرایی» در قبال سازمان‌های بین‌المللی است. به این مفهوم که انتظارات از سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد آن قدر زیاد است که دستیابی به کمینه‌ها را هم از دست می‌دهیم. شایان توجه اینکه سازمان ملل متحد همچنان نهادی با معیارهای دوگانه است که نقش اساسی در تثبیت عدالت نداشته است. انتظارات ما نباید از سازمان ملل متحد غیر واقعی باشد، سازمان ملل متحد نهادهای قدرت گرفته از امکانات اعطایی دولت‌های عضو است (Maleki & Babaie, 2012 : 174). به‌طور کلی ویژگی‌های سیاست خارجی ایران عبارت‌اند از: ۱. اسلام‌گرایی؛ ۲. ایران‌مداری؛ ۳. جهان‌گرایی؛ ۴. هژمون‌گرایی منطقه‌ای؛ ۵. بیگانه‌ستیزی؛ ۶. عدالت‌طلبی؛ ۷. عدم تعهد و جهان‌سوم‌گرایی؛ ۸. امنیت‌گرایی؛ ۹. اهداف و سمت‌گیری‌های متعارض؛ ۱۰. تغییر و تداوم (Mahmoudi Raja & Siyapoushi, 2017 : 191). این ویژگی‌ها، نشان‌دهنده حداکثرگرایی در سیاست خارجی کشور است که به‌توبه خود سبب شکل‌گیری فقر واقع‌بینی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی شده است.

در روابط منطقه‌ای ایران با منطقه آسیای جنوبی یک سیاست واحد دنبال نشده است. پیش از انقلاب اسلامی، گسترش ژرفای ژئوپلیتیک در سیاست خارجی، از خلیج فارس به اقیانوس هند بود. به طوری که هنگام تأسیس بزرگ‌ترین پایگاه دریایی هوایی اقیانوس هند در چابهار در سال ۱۹۷۵، از سوی رئیس کشور اعلام شد: آن‌هایی که به مسائل ژئوپلیتیک آشنایی دارند می‌دانند دایره حساسیت‌های ژئوپلیتیک ما، سراسر اقیانوس هند را شامل می‌شود. به طوری که پیشنهاد تشکیل اتحادیه کشورهای اقیانوس هند مطرح و با استقبال دولت‌های آن منطقه روبه‌رو

شد (Mojtahedzadeh, 2012 : 142). مسلم است با آگاهی و درک درست از واقعیت‌های جغرافیایی ژئوپلیتیکی، مدیران سیاسی و تصمیم‌گیران حکومتی می‌توانند ضمن شناخت ضعف‌ها، توانایی‌های فضاها، پیرامونی به نتیجه‌گیری‌های اصولی و مطلوب برای توسعه منافع ملی دست یابند. در حالی که در دهه‌های گذشته تمرکز نداشتن بر منطقه‌گرایی و منفعل بودن در حوزه سیاست خارجی در سطح منطقه، زیان‌های جبران‌ناپذیری بر امنیت و منافع ملی ایران از جمله روی کار آمدن گروه‌های افراطی در کشورهای پیرامونی و همچنین از دست دادن فرصت‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی در منطقه و ظهور چالش‌های جدید امنیتی از سوی قدرت‌های بزرگ خارجی را در پی داشته است (Hadipour & et al, 2020(a) : 32).



نمودار ۲. چالش‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نظریه‌های مختلف در منطقه‌گرایی
Source: Hadipour & et al, 2020 (c): 178



نقشه ۳. موقعیت سرزمینی ایران برای راه‌گذرهای دسترسی هند به افغانستان، آسیای مرکزی، قفقاز و اروپا
Source: <https://img9.irna.ir/d/r2/2022/02/16/4/169467985.jpg?ts=1645013019584>

۵-۲. ویژگی‌ها و ظرفیت‌های منطقه آسیای جنوبی

منطقه شبه‌قاره (آسیای جنوبی) برای ایران اهمیت بسزایی دارد. از دلایل اهمیت سیاسی امنیتی این منطقه برای ایران مرزهای طولانی با دو کشور افغانستان و پاکستان، وجود اقلیت‌های اکولوژیک (بلوچ‌ها)، ضعف ساختار دولت‌ملت و دولت‌های شکننده در این منطقه، بی‌ثباتی سیاسی، تجارت و قاچاق مواد مخدر و تهدیدات ناشی از آن، بنیادگرایی اسلامی و تروریسم بین‌المللی، وضعیت شیعیان و حضور ایالات متحده و پایگاه‌های نظامی آن در منطقه است. از نظر فرهنگی و اجتماعی نیز قسمت گسترده‌ای از این منطقه جزو حوزه تمدنی ایران است، به طوری که افغانستان را می‌توان دولت‌ملتی فارس‌زبان دانست. از نظر اقتصادی، منطقه شبه‌قاره به دلیل ناامنی و بی‌ثباتی چندان مورد توجه نگرفته است، اما کشیده شدن خط لوله صلح به منطقه (پاکستان-هند) می‌تواند مزایای اقتصادی و امنیتی برای ایران به همراه داشته باشد. به طور کلی، شبه‌قاره بعد از خلیج فارس و خاور میانه مهم‌ترین منطقه ژئوپلیتیک پیرامون ایران است (Azami & et al, 2012 : 20). از دغدغه‌های اصلی کشورهای منطقه آسیای جنوبی، مشکلات اقتصادی و بحران توسعه است. میلیون‌ها نفر از مردم این کشورها فقیر هستند، درآمد پایین و کیفیت

نامناسب زندگی بر دیگر ویژگی‌های اقتصادی و توسعه اثرگذار است. در میان کشورهای این منطقه، هند تقریباً شرایط بهتری دارد و افغانستان، بوتان، بنگلادش و نپال از سال ۱۹۷۱ به بعد جزو کشورهای با اقتصاد بسیار ضعیف و پاکستان، مالدیو و سریلانکا جزو کشورهای در حال توسعه و ضعیف هستند. ویژگی‌هایی مانند فقر گسترده، ضعف زیرساخت‌های حمل و نقل، ضعف صنعتی، تجارت محدود و مکمل، وابستگی به انرژی، رشد محدود شهری، میزان کم سرمایه‌گذاری خارجی، وابستگی به وام‌های خارجی در منطقه آسیای جنوبی کاملاً نمایان است (Mosafa & Noruzi, 2013: 631) (جدول ۲). بانک جهانی دادن ۹,۱۰ میلیارد دلار وام به منطقه برای ۵۶ عملیات در سال مالی ۲۰۲۱ را تصویب کرد که شامل ۷,۳ میلیارد دلار تعهدات آی‌بی‌آر‌دی و ۱,۷ میلیارد دلار در تعهدات آی‌دی‌ای بوده است (World Bank Macro Poverty Outlook and staff calculations, 2022).

هند به‌عنوان مهم‌ترین کشور منطقه آسیای جنوبی می‌تواند نقش مهمی در گسترش روابط منطقه‌ای ایران با این منطقه داشته باشد. از نظر ساختار قدرت، منطقه شبه‌قاره هند وضعیت نامتوازی دارد. هند چهارمین اقتصاد رو به رشد جهان، دومین اقتصاد از نظر رشد اقتصادی، یازدهمین قدرت از نظر تولیدات صنعتی، سومین کشور از نظر نیروی انسانی ماهر و تحصیل کرده و پنجمین کشور از نظر جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است که در سال‌های اخیر کسری مالیاتش کاهش یافته و موازنه تجاری‌اش مثبت شده است. برآورد می‌شود تا سال ۲۰۵۰ در کنار چین به بزرگ‌ترین اقتصاد جهان تبدیل شود. همچنین هند از نظر توانمندی هسته‌ای ششمین قدرت هسته‌ای جهان، از نظر نیروی نظامی بعد از آمریکا، روسیه و چین، چهارمین قدرت نظامی جهان، از نظر فرستادن نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل اولین کشور جهان، از نظر وسعت هفتمین کشور جهان، از نظر جمعیت دومین کشور جهان و از نظر موقعیت راهبردی قدرتی تأثیرگذار بر محیط پیرامونی خود به‌ویژه جنوب آسیا و اقیانوس هند است.

از نظر سیاسی نیز هند بزرگ‌ترین مردم‌سالاری جهان را دارد و به‌شدت عضویت دائم در شورای امنیت سازمان ملل را پیگیری می‌کند. به‌گونه‌ای که هند از نظر قدرت ملی در بین دوازده قدرت برتر جهان قرار گرفته است. اختلاف در وسعت، نیروی انسانی عظیم، ارتش قابل ملاحظه، قدرت تکنولوژیکی و اقتصادی و شخصیت رهبری در سطح منطقه و حتی در سطحی گسترده‌تر، همه این موارد گرایش به سوی نمایش هند به‌عنوان قدرت برتر و مسلط منطقه دارند. هند در چارچوب سیاست نگاه به غرب و نگاه به شمال که بر دیپلماسی اقتصادی و انرژی متمرکز است به ایران به‌عنوان شریکی مهم توجه دارد. در زمینه مبارزه با طالبان و ثبات افغانستان و همچنین ثبات کشورهای آسیای مرکزی، هر دو دولت منافع مشترکی دارند. در رابطه با راه‌گذرهای ارتباطی ایران، ایران دسترسی

هند به بازارهای آسیای مرکزی و افغانستان رافراهم می‌کند. به علاوه دسترسی هند به منطقه قفقاز و اروپا را نیز می‌تواند تسهیل کند. در زمینه حمل و نقل دریایی، زمینی و ریلی، دو کشور همکاری‌هایی با یکدیگر دارند، مانند آنچه طرح همکاری بندر چابهار و راه‌گذر شمال جنوب نام برده می‌شود. شاید مهم‌ترین عامل تقویت‌کننده رابطه دو کشور را در حوزه انرژی بتوان عنوان کرد. بر اساس برآوردها، ۸ درصد تا ۱۴ درصد نفت وارداتی هند از ایران است؛ در بخش نفت و گاز در سال ۲۰۰۵ هر دو دولت توافقی ۴۰ میلیارد دلاری امضا کردند (Nourmohammadi & FasihiDolatshahi, 2018 : 131-135; Niyakouei & BahramiMoghadam, 2014 : 177-178).

جدول ۱. وضعیت رشد تولید ناخالص ملی کشورهای منطقه آسیای جنوبی

سال مالی کشور	رشد تولید ناخالص ملی بر اساس قیمت ثابت بازار					بازبینی برای پیش‌بینی از ژانویه ۲۰۲۲ (نقطه درصد)
سال تقویمی مینا	۲۰۲۰	۲۰۲۱(*)	۲۰۲۲(ف)	۲۰۲۳(ف)	۲۰۲۲(ف)	۲۰۲۳(ف)
منطقه آسیای جنوبی (به استثنای افغانستان)	-۴٫۵	۷٫۷	۶٫۶	۶٫۳*	-۱٫۰	۰٫۲*
منطقه آسیای جنوبی (به استثنای افغانستان و سریلانکا)	-۴٫۶	۷٫۸	۶٫۷	۶٫۳	-۱٫۱	۰٫۲
افغانستان	-۱٫۹	-	-	-	-	-
مالدیو	-۳۳٫۵	۳۱٫۰	۷٫۶	۱۰٫۲	-۳٫۴	-۱٫۸
سریلانکا	-۳٫۶	۳٫۵	۲٫۴	-	۰٫۳	-
سال مالی مینا	۲۰/۲۱(e)	۲۱/۲۲(ف)	۲۲/۲۳(ف)	۲۳/۲۴(ف)	۲۱/۲۲(ف)	۲۲/۲۳(ف)
هند	-۶٫۶	۸٫۳	۸٫۰	۷٫۱	۰٫۰	-۰٫۷
آوریل تا مارس	۱۹/۲۰	۲۰/۲۱(e)	۲۱/۲۲(ف)	۲۲/۲۳(ف)	۲۱/۲۲(ف)	۲۲/۲۳(ف)
بنگلادش	۳٫۴	۶٫۹	۶٫۴	۶٫۷	۰٫۰	-۰٫۲
بوتان	-۲٫۴	-۳٫۷	۴٫۴	۴٫۷	-۰٫۷	-۰٫۱
نپال	-۲٫۱	۱٫۸	۳٫۷	۴٫۱	-۰٫۲	-۰٫۶
پاکستان	-۱٫۰	۵٫۶	۴٫۳	۴٫۰	۰٫۹	۰٫۰

Sources: World Bank Macro Poverty Outlook and staff calculations, 2022.

در نقشه ۴، موقعیت سرزمینی ایران می‌تواند راه‌گذرهایی برای اتصال هند به افغانستان، آسیای مرکزی، قفقاز و اروپا را فراهم کند؛ همچنین در این موقعیت باید به اهمیت سرزمینی ایران در طرح یک کمر بند، یک راه چین نیز اشاره کرد. اگر گذار از سطح مناطق را معیاری برای موقعیت قدرت مسلط در نظر بگیریم، هند از این سطح عبور کرده و بر سیاست بین‌المللی قدرت‌های بزرگ تأثیرگذار بوده است. هند به خوبی توانسته است از ظرفیت آمریکا برای رسیدن به منافع منطقه‌ای و بین‌المللی‌اش بهره‌برداری کند. این کشور آمریکا را بر آن داشته است که از بازیگری هند در آسیای مرکزی حمایت و موضوع جاده ابریشم جدید را با محوریت هند در آسیای مرکزی دنبال کند. این طرح در سال ۲۰۱۱ مطرح شد تا هند را به آسیای مرکزی و اروپا متصل کند (Nourmohammadi & FasihiDolatshahi, 2018 : 178). در رابطه با وضعیت و موقعیت سرزمینی ایران برای گسترش روابط منطقه‌ای با کشورهای آسیای جنوبی، می‌توان از مفهوم وابستگی ژئوپلیتیکی نیز استفاده کرد، وابستگی منافع و اهداف ملی یک کشور یا بازیگر سیاسی به ارزش‌ها و مزیت‌های جغرافیایی کشورها و بازیگران سیاسی دیگر، وابستگی ژئوپلیتیکی گفته می‌شود. الگوی پخش عرضه مزیت‌ها و نیز تقاضای مزیت‌های جغرافیایی نامتعادل است. بنابراین مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی و به دنبال آن گروه‌های انسانی ساکن در آن‌ها، ملت‌ها و حکومت‌ها به یکدیگر نیازمند و وابسته می‌شوند. وابستگی ژئوپلیتیکی انعکاس‌دهنده این واقعیت است. حکومت‌ها و دولت‌ها تلاش می‌کنند سطح وابستگی ژئوپلیتیکی خود به دیگر بازیگران را کاهش دهند و در شرایط اجتناب‌ناپذیر از ابزارها و سازوکارهای تعادل‌بخش بهره‌برند و وابستگی دیگر واحدهای سیاسی را به خود افزایش دهند. مزیت‌های ژئوپلیتیکی و جغرافیایی از طیف گسترده‌ای برخوردارند، برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: مسیر و راه‌گذر ارتباطی، بندرگاه، منبع تأمین انرژی، منابع آب، بازارهای صادراتی، پایگاه دفاعی و نظامی، مراکز و مؤسسات علمی، فرهنگی، تاریخی، دینی (Hafezniya, 2006 : 146-147). برای نمونه، کشور افغانستان نیازمند یک مسیر زمینی برای اتصال به آب‌های آزاد است که این مسیر می‌تواند از شرق ایران با توجه به سطح روابط افغانستان و پاکستان از سوی ایران تعبیه شود؛ در شکل ۳ راه‌گذرهایی آمده است که سرزمین ایران برای هند می‌تواند فراهم کند. از این‌رو، موقعیت ژئوپلیتیکی ایران، توانایی ایجاد وابستگی ژئوپلیتیکی را برای کشورهای منطقه آسیای جنوبی دارد. به‌طورکلی می‌توان مهم‌ترین ظرفیت‌های موجود در منطقه ژئوپلیتیکی آسیای جنوبی را که در گسترش و تقویت روابط منطقه‌ای ایران تأثیرگذارند به‌طور اجمالی در جدول ۲ بررسی کرد:

جدول ۲. مهم‌ترین ظرفیت‌های موجود در منطقه ژئوپلیتیک آسیای جنوبی

ردیف	ظرفیت و فرصت	ویژگی‌ها
۱	نیاز به انرژی‌های فسیلی	کشورهای جنوب آسیا با سرعت در حال افزایش تقاضا برای انرژی، با کمبود انرژی مواجه هستند. به دلیل تأثیرات اقتصادی سیاسی ناشی از چنین کمبودی، بهبود عرضه انرژی، اولویت مهم دولت‌های منطقه است. کشورهای جنوب آسیا به دنبال تنوع منابع انرژی سنتی خود، جذب سرمایه‌گذاری خارجی اضافی برای توسعه زیرساخت‌های انرژی، بهبود بهره‌وری انرژی، اصلاح و خصوصی‌سازی بخش انرژی ارتقای توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری انرژی منطقه‌ای هستند. آسیای جنوبی ۵۷ میلیارد ذخایر نفتی دارد که برابر با ۵ درصد ذخایر جهانی است. انتظار می‌رود که واردات نفت جنوب آسیا تا پایان سال ۲۰۲۰ بیش از ۲ برابر شود و انتظار می‌رود که خاورمیانه منبع اصلی برای صادرات نفت به آنجا باشد. بیش از ۶۱ درصد کل تولید برق از جمله بنگلادش (گاز طبیعی ۹۱٫۵ درصد)، هند (۶۷٫۹ درصد زغال‌سنگ)، نپال (انرژی آبی ۹۹٫۹۹ درصد)، چین و وابستگی پایدار نیست. هند و پاکستان به شدت به سوخت‌های فسیلی وابسته هستند.
۲	بازارهای اقتصادی پرجمعیت جنوب آسیا	جنوب آسیا از پویاترین مناطق جهان است. رشد جمعیت بالا، شهرنشینی سریع، پیشرفت سریع اقتصادی و صنعتی شدن، افزایش تقاضا برای منابع از جمله غذا، آب، انرژی افزایش یافته مصرف آن‌ها را شدت بخشیده است. منابع زمین، آب و منابع اکوسیستم حیاتی در حال کاهش است، اما جمعیت رو به رشد است، پیش‌بینی می‌شود اگر نرخ رشد کنونی جمعیت حفظ شود تا سال ۲۰۵۰ جمعیت به ۳٫۲ میلیارد نفر برسد. با افزایش جمعیت، کاهش زمین‌های کشاورزی، افزایش تنش بر منابع آب و منابع انرژی و تنوع آب‌وهوا، آسیای جنوبی با چالش‌های غذاهای بیشتری با همان زمین یا کمتر، آب کمتر، افزایش قیمت‌های انرژی مواجه است. بیشتر کشورهای جنوب آسیا واردکننده مواد غذایی هستند، زیرا با تولید داخلی توان تأمین نیاز داخلی خود را ندارند.
۳	رقابت‌های درون منطقه‌ای جنوب آسیا	به دلیل توازن‌نداشتن ژئوپلیتیک در میان کشورهای این منطقه، نوعی سوءظن میان آن‌ها وجود دارد. دولت‌های کوچک‌تر در منطقه از تجربیات استعماری خارج‌شده به مسائل حاکمیت ملی، هویت و خودمختاری و احتمال سلطه واقعی فرهنگی اقتصادی همسایه بزرگ خود (هند) حساس شده‌اند.

قلمروی تمدنی جنوب آسیا، از جنوب شرق ایران با فلات ایران ارتباط دارد به‌عنوان منطقه ژئوپلیتیک پیرامون ایران مطرح است و هم‌مرز به‌واسطه ایران محسوب می‌شود.

بلوچستان ایران از گذشته، مرز ایران و هند بوده است. این خط مرزی از کوه ملک سیاه شروع می‌شود از مشرق رباط، میرجاوه و خاش عبور می‌کند به رود تالاب متصل می‌شود؛ پس از آن از شمال و مشرق‌کندی گذشته به سیاه‌کوه می‌رسد از آنجا تا مقابل تپه کورکانیان به‌سوی جنوب امتداد می‌یابد و با رود ماشکل تلاقی می‌کند در ادامه در مسیر رودخانه به‌سوی غرب می‌رود و سپس با گذر از عرض رودخانه در شرق بندر گواتر به دریای عمان منتهی می‌شود.

مرز ۹۷۸ کیلومتری ایران - پاکستان که از کوه ملک‌سیاه تا خلیج گواتر امتداد دارد از نظر تهدید راهبردی، امن‌ترین مرز برای دو دولت هم‌جوار محسوب می‌شود. ایران در هیچ دوره تاریخی از مرزهای جنوب خاوری مورد تهدید راهبردی قرار نگرفته است.

وجود مرزهای
جغرافیایی
مشترک با جنوب
آسیا

۴

در میان مردم نژادهای بسیاری که با زندگی و فرهنگ هند تماس پیدا کرده‌اند و در آن نفوذ داشته‌اند قدیمی‌ترین و مداوم‌ترین آن‌ها ایران‌ها بوده‌اند؛ در واقع روابط میان آن‌ها حتی پیش از آغاز تمدن هندوآریایی بوده است، زیرا قبایل هندوآریایی ایرانیان استان هر دو از یک اصل و نسب مشترک جدا شده‌اند و راه‌های جداگانه برای خود در پیش گرفتند.

زبان و ادبیات فارسی از هزار سال پیش در جنوب آسیا به شیوه‌ای گوناگون نقش برانگیخته است و با فرهنگ زبان کشورهای جنوب آسیا (هند، پاکستان و بنگلادش) به هم آمیخته است.

دلایل زیادی برای تأثیر پیشرفت زبان فارسی در شبه‌قاره وجود دارد؛ از جمله نقش وزیران و شاه‌زاده‌ها، مهاجرت ایرانیان به هند، حکومت‌های اسلامی علاقه آنان به فرهنگ تمدن ایرانی زبان فارسی، رهبران فارسی‌زبان در مناطق مذهبی، نقش لغت‌نویسان، هنرمندان، ادبا و هزاران شاعر ایرانی و روابط سیاسی و فرهنگی با حکومت‌های شیعی در دکن.

اشتراکات
ژئوکالچری

۵

رشد اسلام در آسیای جنوب یکی از مهم‌ترین تحولات ژئوپلیتیک هزاره گذشته بوده است. ایران رشد در قرن هفتم هشتم هنگامی آغاز شد که بازرگانان عرب مسلمان در ساحل جنوب غربی شبه‌قاره مستقر شدن هیئت‌های نظامی عرب مسلمان ساحل مکران دره ایندوس را بررسی کردند. در حال حاضر، یک‌سوم مسلمانان جهان در جنوب آسیا زندگی می‌کنند که یکی از منابع سرچشمه‌های اصلی عقاید سازمان‌های اسلامی در سراسر جهان است.

تعداد جمعیت مسلمان کشورهای غیرمسلمان جنوب آسیا در هند ۱۸۹،۰۰۰،۰۰۰؛ سریلانکا ۲۰،۴۴،۲۸۰؛ بوتان ۱،۴۶۰؛ نپال ۱،۳۷۸،۱۶۰ تخمین زده شده است. کشورهای پاکستان، افغانستان و بنگلادش با اکثریت قاطع، مسلمان‌نشین هستند.

اشتراکات دینی
(اسلام)

۶

Source: Hadipour & et al, 2020(a) : 36-60

۷. نتیجه

سیاست خارجی کارآمد و دیپلماسی فعال در روابط منطقه‌ای مهم است تا دولتی بتواند به منافع ملی کشور متبوع خود دست یابد. ایران با توجه منابع انرژی سرشار می‌تواند در روابط منطقه‌ای خود موفق‌تر باشد. آسیای جنوبی به‌عنوان منطقه‌ای ژئوپلیتیک و نیاز به انرژی فسیلی، در توسعه اقتصادی و سیاسی از ظرفیت لازم برخوردار است. با توجه به نظریه ساختار فضایی سیستم ژئوپلیتیک جهان که از سوی کوهن مطرح شده است منطقه آسیای جنوبی به‌عنوان منطقه‌ای ژئوپلیتیک مستقل که در این نظریه آمده است و پیش‌بینی می‌شود در آینده به‌عنوان منطقه ژئواستراتژیک سوم به دو منطقه ژئواستراتژیک (بحری و بری) دیگری در نظریه کوهن اضافه شود، می‌تواند روابط منطقه‌ای را برای ایران با وابستگی به انرژی فسیلی تقویت کند. البته همان‌طور که در جدول ۳ مهم‌ترین ظرفیت‌های این منطقه آمده است، می‌بینیم موقعیت ژئوپلیتیک ایران و این ظرفیت‌ها می‌تواند منافع اقتصادی و سیاسی ایران را گسترش دهد. کشورها همواره در سیاست خارجی و رویکردهای آن باید هوشیارانه عمل کنند، ولی در ارتباط با آنچه وابستگی ژئوپلیتیک گفته می‌شود با توجه به مجموعه شرایط موجود در کشورهای منطقه آسیای جنوبی، مانند نیاز آن‌ها به منابع انرژی، سرمایه‌گذاری، واردات کالا، مراودات فرهنگی و از سوی دیگر هم‌خوانی این شرایط با توانایی ایران، می‌توان با درایت و اندیشه کاربردی به منطقه آسیای جنوبی با جدیت تمام توجه داشت. اما با توجه به آنچه می‌بینیم رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به منطقه جنوب آسیا، توجه کافی نداشتن و جایگاه این منطقه در سیاست خارجی کشور، در اولویت‌های مهم منطقه‌ای ایران با توجه به کم‌رنگ بودن اقدامات و روابط منطقه‌ای که نسبت به این منطقه مشاهده می‌شود، جایگاه مناسبی نیست.

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده‌سازی بخش‌های مختلف این مقاله مشارکت کرده‌اند.

تعارض منافع

بنا به اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی رایت

طبق تعهد نویسندگان، حق کپی رایت (CC) رعایت شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

References

- Ahmadi Lafouraki, Behzad and TalebiArani, Roholah (2018), Rereading the Models of Regional Studies in Strengthening the Practical Foundations of the Model of Interregional Security Relations; Political and International Approaches Quarterly, Volume 10, Number 1, Spring, pp. 12-42. [In Persian]
- Ahmed, Jesmine. (2020). The Theoretical Significance of Foreign Policy in International Relations-an Analyse; Journal of Critical Reviews, Vol 7, Issue 2, <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>, DOI: <http://dx.doi.org/10.31838/jcr.07.02.144>.
- Akraminiya, Mohamad (2012), Foreign Policy Strategies of the Islamic Republic of Iran in Achieving the Goals of the 1400 Vision; Strategic Studies Quarterly, 16th year, 2nd issue, summer, pp. 33-60. [In Persian]
- Azami, Hadi and Zarghani, SydHadi and Dabiri, Aliakar (2012), Analysis of Regional Priorities and Geopolitical Views in Shaping Regional Organizations (Case Example: Shanghai Cooperation Organization); Quarterly of Iranian Journal of International Politics; Year 1, Issue 1, Fall and Winter, pp. 2-25. [In Persian]
- Babakhani Lashakan, Lyla and Koulaei, Elaheh and Ezati, Ezatolah (2017), Chronopolitics of Energy Relations Between Iran and Turkey after the collapse of the Soviet Union; Political Geography Research Quarterly, Second year, second issue, summer, pp. 139-161. [In Persian]
- Barati, Alireza and Ahmadi, SydAbas and Zarei, Bahador (2021), Explaining the Defense and Security Challenges of Sea-Oriented Development on the Regional and International Scale of Makran Coasts from the Point of View of Political Geography; Defense Strategy Quarterly, 19th year, number 74, summer, pp. 55-86. [In Persian]
- Griffiths, Steven. (2019). Energy diplomacy in a time of energy transition; Energy Strategy Reviews journal, www.elsevier.com/locate/esr, <https://doi.org/10.1016/j.esr.2019.100386>, 25 July, pp 1-10.
- Hadipour, Mysam and Hafezniya, Mohammadreza and Sajadpour,

- SydMohamadkazem and Hkorashadizadeh, Mohammadreza (2019)(a); Geopolitical Opportunities of the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran in South Asia (Indian Subcontinent); Geography and Development Quarterly, No. 60, Fall, pp. 31-58. [In Persian]
- Hadipour, Mysam and Hafezniya, Mohammadreza and Sajadpour, SydMohamadkazem and Hkorashadizadeh, Mohammadreza (2019)(b); Examining the Role of Geopolitical Factors in South Asian Crises (Indian Subcontinent); Geographical Space Quarterly, 20th year, No. 69, Spring, pp. 76-57. [In Persian]
- Hadipour, Mysam and Hafezniya, Mohammadreza and Sajadpour, SydMohamadkazem and Hkorashadizadeh, Mohammadreza (2019)(c); Examining the Geopolitical Challenges of the Islamic Republic of Iran's foreign policy in South Asia (Indian subcontinent); Scientific Quarterly of Afaq Security, No. 49, Winter, pp. 171-200. [In Persian]
- Hafezniya, Mohammadreza (2006), Principles and Concepts of Geopolitics; Mashhad: Amirkabir Publications, first edition. [In Persian]
- Haghighat, SydSadegh (2006), The Foundations, Principles and Objectives of the Foreign Policy of the Islamic State; Qom: Publications of the Research Institute of Islamic Sciences and Culture, first edition. [In Persian]
- <https://data.worldbank.org/indicator/SP.POP.TOTL?locations=8S>
- Karimi, Gholamreza (2006), Islamic Republic of Iran and international organizations; Political Science Quarterly, ninth year, number 36, winter, pp. 159-125. [In Persian]
- Mahmoudi raja, SydZakariya and Siyapoushi, Hosyen (2017), Perception of the "National role" and its Effect on the Evolution of Iran's Foreign Policy; World Politics Quarterly, 6th session, 4th issue, winter, pp. 187-211. [In Persian]
- Maleki, Mostafa and Babaei, Mojtaba (2012), Relations Between Iran and the United Nations after the Victory of the Islamic Revolution; International

Relations Studies Quarterly, Volume 5, Number 18, Summer, pp. 155-178.
[In Persian]

Masoudipour, Hoseyn and Karimifard and Uosofi, Bahram and Akbarzadeh, Frydoon (2019), Geopolitics of Energy and Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran (1357-1396); Two scientific quarterly journals of political science, 15th year, number 2 (30 in a row), autumn and winter, pp. 489-514.
[In Persian]

MojtahedZadeh, Pirouz (2012), The Philosophy and Function of Geopolitics (Concepts and Theories in the Era of Virtual Space); Tehran: Samit Publications, first edition. [In Persian]

Mosafa, Nasrin and Nourouzi, Hoseyn (2014), Management of the Security Environment and the Horizon of Regionalism in SAARC; Politics Quarterly, Volume 44, Number 3, Fall, pp. 625-642. [In Persian]

Nami, Mohammadhasan and Hydaripour, Esfandiyar (2012), A New Model for Accurate Calculation of the Area and Length of the Borders of the Republic of Iran; Regional Planning Quarterly, No. 2, Spring, pp. 248-229. [In Persian]

Niyakouei, SydAmir and BahramiMoghadam, Sajad (2014), Iran-India Relations: Opportunities and limitations; Foreign Relations Quarterly, 6th year, 1st issue, Spring, pp. 123-160. [In Persian]

Nourmohamadi, Morteza and Fasihidolatshahi, Mohammad Aref (2019), The Application of Regional Security Complex Theory in the Analysis of issues and patterns of relations in South Asia; Political and International Approaches Quarterly, Volume 10, Number 2, Spring, pp. 153-189. [In Persian]

Pishgahifard, Zahra and Mahkouei, Hojat (2012), Regionalism in the Era of Globalization, Case Study: Regional Organization of Guam; Central Eurasian Studies Quarterly, Year 5, Number 10, Spring and Summer, pp. 21-40. [In Persian]

Pourahmadi, Hosyn and Motamedi Amin, Hosyn (2014), The Position of the United Nations in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran; Quarterly

- of Political and International Approaches, 5th year, summer number 38, pp. 9-48. [In Persian]
- Rahmani, Mansour (2015), Public Diplomacy and Foreign Policy; Globalization Strategic Studies Quarterly, 6th year, 15th issue, pp. 63-89.
- Roshan, Amir and Alimirzaei, Fatemh (2017), Analysis of the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran during the Imposed War Based on the Critical Theory of International Relations; Bi-quarterly Journal of Islamic Revolution and Holy Defense Studies, new period, third year, second issue, autumn and winter, pp. 45-69. [In Persian]
- Solymani, Gholamali and Dehghani Firozabadi, SydJalal (2014), The Meaning and Institutional Dimensions of Decision-Making in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran; Two Quarterly Journals of Theoretical Policy Research, No. 16, Fall and Winter, pp. 71-100. [In Persian]
- Spohr, Alexandre Piffero & André Luiz Reis da Silva. (2017). Foreign Policy's Role in Promoting Development: the Brazilian and Turkish Cases; Contexto Internacional vol. 39 (1) Jan/Apr, <http://dx.doi.org/10.1590/S0102-8529.2017390100008>.
- Taremi, Kamran and Moradi, Iraj (2014), Examining the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran with the European Union in the Last Three Decades; International Relations Studies Quarterly, Volume 7, Number 28, Winter, pp. 166-133. [In Persian]
- World Bank Macro Poverty Outlook and staff calculations, 2022.